

بنام خداوند بزرگ

آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات

تهیه کننده:

فیصل کریمی استاد دانشگاه هرات



آزادی اطلاعات

حق برخورداری از اطلاعات و لزوم آزاد بودن جریان آزادی اطلاعات، از جمله حقوقی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به عنوان مقوله-های مطرح شده و موجب افزایش اهمیت اصل آزادی رسانه شده است.

اصل دسترسی آزادی به اطلاعات در عصر ارتباطات اهمیتی فزاینده یافته است که نیازمند تعمق و تأمل بیشتر است.



آزادی اطلاعات

هر فردی حق دارد که بگوید، بشنود، بنویسد و بخواند و در یک کلام اطلاعات بگیرد و اطلاعات بدهد و ارتباط برقرار نماید.

بنیادی ترین اصل در هر کشور دموکراتیک آن است که شهروندان بتوانند به واری و نظارت بر رفتار مأموران دولتی پردازند.

شرط این کار دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات مورد نیاز است،



آزادی اطلاعات

دولت نه مالک، بلکه امانت دار اطلاعات است. در جوامع دموکراتیک شهروندان به حکومت اعتماد می کنند تا اطلاعات را در جهت مصلحت و منفعت آنان مرتب و گرد آوری کند.

حق دسترسی به اطلاعات در پیوند با حق آزاد بیان نیز هست. از همین رو در متون به این موضوع آمده است که: اگر چیزی برای بیان وجود نداشته باشد، آزادی بیان بی معناست.

آزادی اطلاعات حسابدگی و شفافیت را در کار مسوولان تامین می نماید.



سیرتاریخی حق آزادی اطلاعات

تاریخچه قانون آزادی اطلاعات از سویدن آغاز شد. در سال 1766 پارلمان این کشور قانون آزادی مطبوعات را تصویب کرد. در این قانون افشای اسناد دولتی به

خواست متقاضیان پیش بینی شده است.

کلمبیا نیز قانون آزادی اطلاعات را در 1888 به تصویب رسانید که در آن به افراد اجازه می داد اطلاعاتی را که در نهاد های حکومتی با آرشیف های حکومتی است، درخواست کنند.

ایالات متحده امریکا قانون آزادی اطلاعات را در سال 1967 تصویب کرد.



سیرتاریخی حق آزادی اطلاعات

قوانین آزادی اطلاعات که در برگیرنده حق دسترسی به اطلاعات موجود در دولت است، از 200 سال بدینسو وجود داشته است اما تعداد اندک

شان بیش از 20 سال عمر دارد.

اما اکنون موج واقعی قانون گذاری آزادی اطلاعات سراسر جهان را در

10

سال اخیر در نور دیده است.



حق دسترسی به اطلاعات

حق دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق مسلم افراد به شمار می‌رود و نتیجه عملی اصل آزادی اطلاعات می‌باشد. تمام شهروندان دارای حق مساوی در به دست آوردن اطلاعات اند.

حق دسترسی به اطلاعات را میتوان توانایی شهروندان در به دست آوردن اطلاعاتی که در اختیار دولت است، تعریف کرد. برخی از کشورها این حق را در قوانین اساسی و یا دیگر قوانین، به رسمیت شناخته اند و برخی نه.



حق دسترسی به اطلاعات

حتی در کشورهایی که حق دسترسی به اطلاعات به رسمیت شناخته شده است، بدون استثناء با محدودیت هایی مواجه است. چنین استدلال

می شود که دسترسی به اطلاعات عنصر بنیادین در یک حکومت دموکراتیک است.

زیرا برقراری و شکوفا شدن دموکراسی مستلزم آن است که شهروندان

به اندازه کافی از اعمال و سیاست های حکومت خود آگاه شوند.

در بسیاری کشورها حق دسترسی به اطلاعات به سطح قانون اساسی شناخته شده است.



موارد حق دسترسی به اطلاعات

- حق تفتیش کار، اسناد و مدارک
- حق گرفتن یادداشت ها، کاپی های تصدیق شده اسناد و مدارک
- کسب معلومات به هرشکلی که باشد، مانند دیسکت ها، فلاپی ها کست های ویدیویی یا از طریق چاپ نمودن اطلاعات که در کامپیوتر حفظ گردیده باشد.

تمام شهروندان دارای حق مساوی در به دست آوردن اطلاعات اند.



حق دسترسی به اطلاعات در قوانین بین المللی

مفکوره آزادی دسترسی به اطلاعات برای اولین بار در یکی از مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1946 به رسمیت شناخته شد.

مصوبه شماره 95 مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیان می دارد:

”آزادی دسترسی به اطلاعات، یکی از حقوق اساسی بشر و معیاری برای

تمام آزادی هایی است که ملل متحد به آن متعهد می باشد.“



اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948

اعلامیه جهانی حقوق بشر حق دسترسی به اطلاعات را منحیث حق اساسی آزادی بیان تلقی می نماید.

ماده 19:

”هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و

افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات

مرزی آزاد باشد.“

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی-1966

- ماده 19: "هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیلهء دیگر به انتخاب خود می باشد."



آزادی اطلاعاتی در قوانین داخلی افغانستان

قانون اساسی افغانستان در ماده 50 خود حق دسترسی به اطلاعات را تضمین کرده و شهروندان کشور را صلاحیت می دهد که به معلومات عامه دسترسی داشته باشند.

این ماده بیان می نماید:

"اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام این قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق و امنیت عامه حدودی ندارد..."



حق دسترسی به اطلاعات در قانون رسانه ها

ماده پنجم قانون رسانه های همگانی افغانستان نیز در مورد آزادی اطلاعات بیان می دارد:

"هر شخص حق دارد معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنا بر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه می شود، به دسترس آنان قرار می دهد مگر این که معلومات مطالبه شده راز محرم بوده و افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید."



پس:

اگر یکی از مقام های بلند پایه دولتی از ارائه اطلاعات در یکی از موارد مشخص به رسانه ها خودداری ورزد، امری است، خلاف قانون. اما مجازات فرد خاطی نه در قانون رسانه ها و نه در سایر قوانین مشخص گردیده است.

همچنان در مورد مطالبه شده محرم نیز چارچوبی مشخص تصریح نگردیده است. این امکان وجود دارد که اخبار انتقادی از کارکرد حکومت آسیب رسانی به امنیت ملی و منافع ملی توجیه شود.



پرسش؟



اصول 9 گانه حق دسترسی به اطلاعات

نهاد ماده 19 که نام خود را از ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اقتباس کرده است، یک نهاد مدنی غیردولتی فعال در زمینه معرفی و تبیین آزادی اطلاعات است.

این نهاد در جون 1999 معیارهایی را برای قانون حق دسترسی به اطلاعات تدوین و منتشر کرد. این معیارها بلافاصله در گزارش سال 2000 گزارشگر ویژه سازمان ملل در موضوع آزادی بیان مورد تأیید قرار گرفت.



اصل اول: افشای حد اکثر

بنا بر قانون آزادی اطلاعات باید افشای حد اکثر در یک کشور وجود داشته باشد.

اصل افشای حد اکثر بر دو پیش فرض استوار است:

-تمامی اطلاعاتی که در اختیار یک نهاد دولتی است، باید در معرض افشاء قرار گیرد.

-تنها در شرایط بسار محدود و ویژه می توان پیش فرض اول را نادیده گرفت.



اصل اول: افشای حد اکثر

اصل حد اکثر افشاء، دسترسی به اطلاعات دولتی را به عنوان یک حق بنیادین تضمین کند. طبق این اصل شهروندان باید از حق مساوی برای دریافت اطلاعات برخوردار باشند.

در هنگامی که یک مقام دولتی اطلاعاتی را مخفی می کند، باید اثبات کند که این اطلاعات از جمله موارد استثناء و محدودیت های پیش بینی شده در قانون است.



اصل دوم: الزام به انتشار

نهاد های دولتی همواره باید ملزم به انتشار اطلاعات کلیدی باشند.

تحقق آزادی اطلاعات مستلزم آن است که نهادهای دولتی نه تنها به درخواست دریافت اطلاعات پاسخ مثبت دهند، بلکه باید اسناد، مدارک و اطلاعات مورد توجه عموم را به طور مستمر منتشر کنند.



اصل دوم: الزام به انتشار

به عنوان یک حد اقل، دستگاه های دولتی، باید ملزم به انتشار اطلاعات در موضوعات زیر شوند:

- اطلاعات عملیاتی در باره چگونگی فعالیت نهادهای دولتی، شامل هزینه ها، هدف ها، صورت های مالی حسابرسی شده، استندردها و دست آوردها.
- اطلاعات در باره تقاضاها، شکایت ها یا موضوعات دیگری که شهروندان می توانند به طور مستقیم در باره دستگاه های دولتی مطرح کنند؛



اصل دوم: الزام به انتشار

- شیوه ها و رویه هایی که از طریق آن شهروندان می توانند پیشنهاد های خود را در باره نهاد های مورد نظر و ضرورت تغییرات قانونی در کارکرد آن ارائه دهند؛
- انواع اطلاعاتی که دستگاه مورد نظر در اختیار دارد و شکل بندی آنها
- اطلاعات مربوط به هر تصمیم و یا سیاستی که بر زندگی عموم تأثیر دارد، همراه با دلایل؛



اصل سوم: تقویت حکومت شفاف

نهادهای دولتی باید فعالانه حکومت شفاف را تقویت نمایند.

برای تحقق اهداف قانون آزادی اطلاعات، آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیز تقویت فرهنگ "شفاف سازی" در ساختار حکومت امر ضروری است.



اصل چهارم: دامنه محدودیت موارد استثناء

استثناء ها بر اصل آزادی اطلاعات و حق دسترسی باید به طور دقیق در قانون پیش بینی شوند.

در خواست های دسترسی به اطلاعات دولتی در همه موارد باید اجابت شوند، مگر آن که نهادهای دولتی مورد نظر بتوانند اثبات کنند که در خواست، از جمله استثناء های پیش بینی شده در قانون است.



اصل پنجم: آسان کردن دسترسی به اطلاعات

فرایند تصمیم‌گیری درباره تقاضاها دسترسی به اطلاعات باید در سه سطح اجرایی مستقل قابل بررسی باشند:

درون دستگاه دولتی که اطلاعات را در اختیار دارد، قابل تجدید نظر در یک نهاد اجرایی مستقل و قابل استیناف در محکمه.

همچنین در قانون باید تسهیلات لازم برای کسانی که نمی‌توانند بنویسند و یا بخوانند با زبان سند آشنا نیستند و یا از معلولیت‌هایی همچون نابینایی رنج می‌برند، پیش‌بینی شود.



اصل ششم: هزینه ها

هزینه های سنگین نباید مانع درخواست دسترسی به اطلاعات شود.

از آن جا که هدف قانون آزادی اطلاعات، تقویت دسترسی باز به اطلاعات مورد نیاز است، بنا بر این هزینه هایی که از سوی نهادهای دولتی برای در اختیار نهادن اطلاعات تعیین می شود، نباید آنچنان زیاد باشد که درخواست کننده را از گرفتن اطلاعات باز دارد.



اصل هفتم: مذاکرات علنی

جلسه های نهادهای حکومتی باید علنی باشد.

آزادی اطلاعات مشتمل بر حق دانستن همگان نیز هست، به این معنی که شهروندان باید بدانند حکومت به انجام چه اموری مشغول است و بتوانند در فرایندهای تصمیم گیری مشارکت فعال داشته باشند.

بنا بر این قانون آزادی اطلاعات باید بر پیش فرض های علنی بودن همه جلسه های دستگاه حکومت استوار باشد.



اصل هشتم: اولویت با افشاء است

قوانین ناهماهنگ با اصل انتشار حد اکثر باید اصلاح یا لغو شوند.

کارکرد مناسب قانون آزادی اطلاعات نیازمند تفسیر قوانین دیگر به گونه‌ی هماهنگ با مفاد این قانون است.

در صورتی که این امر ممکن نباشد، باید قانون دیگر را مورد بازبینی قرار داد.



اصل نهم: حمایت از هشداردهندگان

در جامعه کسانی هستند که در مورد تخلفات افراد هشدار میدهند و جنایات این افراد را منتشر می کنند، باید این هشداردهندگان حمایت شوند.

این افراد باید در برابر هرگونه مجازات قانونی، اجرایی و یا استخدای به دلیل افشای اطلاعات مربوط به خلافاکارها محافظت شوند.

مقصود از خلاف کاری، ارتکاب جرم، پیروی نکردن از الزام های قانونی و فریبکاری در یک نهاد دولتی است.



نتیجه

اصول نه گانه آزادی اطلاعات که از طرف سازمان ملل در سال 2000 به تصویب رسیده است، از آن می توان به عنوان استندردهای مطلوب در مورد آزادی اطلاعات یاد نمود.

این اصول بعد قانونی و اجباری ندارند ولی اگر در مواد آن دقت شود، می تواند به عنوان معیارهای اساسی برای آزادی اطلاعات در کشورها مورد توجه قرار گیرد.



با سپاس



پیرسید

